

جستاری در شرح احوال و بررسی دیوان فنای خویی^۱

دکتر شهریار حسن‌زاده^۲

استادیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد خوی

چکیده

میرزا عبدالرسول زنوزی خویی، متخلص به فنا، از نام‌آوران عصر دنبلی‌هاست. آمیختگی نام دنبلی‌ها با تاریخ خوی که در دوره احمدخان دنبلی و پسرش حسینقلی خان برجسته است، حکایت سال‌های طلایی علم و ادب و معرفت در تاریخ ادبیات آذربایجان و به تبع آن در ایران زبانه زده شده است و باید گفت یکی از اعصار مهم ادب فارسی محسوب می‌شود. در این دوره، شهرت دادگری و دانش‌پروری خان‌های دنبلی، شهر خوی را به مأمنی برای گروه‌های کثیری از شاعران و دانشمندان از اطراف و اکناف ایران و کشورهای همسایه بدل می‌کند و به درگاه این امیران می‌کشاند؛ از جمله می‌توان از آذر بیگدلی، صبای کاشانی، ملا عبدالنبی طسوجی، ملا فتح‌الله ایروانی، میرزا محمدرضا هندی، میرزا محمدعلی اصفهانی، حریف جندقی، ساغر تبریزی، آقای میریعقوب کوه‌کمری و... نام برد. در نتیجه رواج شعر و ادب، تشکیل محافل و مدارس، یک محیط فرهنگی پدید می‌آید و به تربیت رجال ختم می‌شود. از برخورداران این خوان فضل و از تأثیرگذاران خاندان‌های علمی در ایجاد کانون

دانش، خاندان میرزا حسن زنوزی خویی و از این خانواده، میرزا عبدالرسول متخلص به فنای خویی نام‌آور است. لذا این پرسش مطرح می‌شود که جایگاه علمی و شاعری وی چه نقشی در این دوره داشته است؟ و دیوان شعر او ماحصل چه برجستگی‌هایی است؟ می‌توان گفت آثار فنا آیینۀ تمام‌نمای اوضاع اجتماعی، سیاسی و اخلاقی ایران در دورۀ قاجار است و علاوه بر آن، وی که در شاعری تواناتر از پدرش یعنی فانی است، در حکمت نیز دستی داشت و از پیروان ابن عربی و ملاصدرا و مریدان شیخ احمد احسایی بوده است. نگارنده در این نوشتار بر آن است ضمن معرفی نسخه خطی و شخصیت والای ادبی سراینده، به بررسی تحلیلی و متن‌شناسانه دیوان شاعر بپردازد.

واژه‌های کلیدی

عبدالرسول زنوزی خویی، عصر دنبلی، دیوان قصاید و غزلیات، نسخه خطی.

۱. مقدمه و بیان مسئله

در سده‌های گذشته، در سرزمین ایران در هر منطقه، خاندانی حکومت می‌کرد که با عنوان حکومت‌های محلی شناخته می‌شدند و به صورت ملوک الطوائفی فرمانروایی می‌کردند. در خطه آذربایجان به فاصله‌ای قریب به دو قرن از قبایل معروف به دنبلی‌ها که با تاریخ خوی نیز آمیختگی‌ها دارد، علی‌رغم گرفتاری‌ها دوره‌ای شکوهمند است که سبب تحول فرهنگی و شکفتگی علمی خوی و به تبع ایران شده است. طایفه دنبلی‌ها در خوی که با بنیان‌گذاری سلمان خان سوباشی (۱۰۴۰ فوت) آغاز می‌شود، با حکمرانی احمدخان و پسرش حسینقلی خان دنبلی در سایه تدبیر و خردمندی به شهرت فرامنطقه‌ای دست می‌یابد و با آبادانی خوی و مجمع علما و فضلا و شعرا جایگاه جهانی پیدا می‌کند. «شهرت دادگری و دانش‌پروری خان‌های دنبلی، گروه‌های کثیری از جمله شاعران و دانشمندان را از چهار

گوشه ایران و کشورهای همسایه به درگاه این امیران می‌کشانید. شاعرانی مثل آذر بیگدلی و صبا کاشانی قصایدی در مدح آنان به خوی می‌فرستادند و کسانی از آن میان به خوی می‌آمدند و در این شهر سکونت می‌گزیدند. وجود نام‌های خانوادگی سیستانی، زابلی، همدانی، ماکویی، طسوجی، گیلانی و نظایر آن‌ها در خوی یادآور این مهاجرت‌هاست» (ریاحی، ۱۳۷۳: ۲۱۵).

یکی از خاندان‌های پرسابقه علمی و تأثیرگذار در عرصه فرهنگ و ادب عصر دنبلی خاندان زنوزی خویی است که به میرزا حسنی مشهورند. «جدشان تاج‌الدین حسن در کوهکمر مدفون می‌باشد. اولین شخص از خاندان زنوزی که به خوی منتقل شدند عبدالرسول زنوزی است. وی به علت زدوخوردهای بین ایران و عثمانی توانست کسب علم کند و به کشاورزی مشغول شد. وی به سبب علاقه زیادی که به علم و اهل علم داشت، درصدد بود فرزندش محمدحسن زنوزی از اهل باشد» (صدرایی خویی، ۱۳۷۳: ۱۵۲). «میرزا محمدحسن زنوزی خویی عالم، ادیب و متکلم (۱۱۲۵-۱۲۷۳ق) دانشمند کثیرالاحاطه و متفکر و دارای سرعت انتقال و قدرت استنتاج بیشتری بود و از اصول و حدیث و رجال و کلام و ادب و تاریخ و نسب اطلاعات کافی داشت» (آقاسی، ۱۳۵۰: ۵۰۱). «وی با عمری اندک ولی پشتکار و جدیت و عشق آثار ارزشمند از جمله بحرالعلوم، ریاض‌الجنة، زیادة الاعمال، روضة الآمال، وسیلة النجاة، شرح الاستبصار، المحفزة فی الفنون المختلفة، دیوان اشعار فارسی به یادگار نهاده است» (حسن‌زاده، ۱۳۹۰: بیست‌وشش تا سی). میرزا حسن زنوزی خویی چهار پسر به نام‌های میرزا مهدی، میرزا عبدالرسول، میرزا علی و میرزا اسماعیل داشته است. از این بین، میرزا عبدالرسول زنوزی خویی متخلص به فناست که از وی در منابع معتبر یاد شده است. وی با دیوان مراثنی خود بر حضرت اباعبدالله^(ع) به اشعار خود رنگ سرمدی بخشیده و با دیوان غزلیات و قصاید، توانایی خاصی از شاعری خویش نشان داده است. در این نوشتار سعی می‌شود شرح حالی از این شاعر عالی‌نسب ارائه شود

و نیز تحلیل جامع به‌لحاظ متن‌شناسی و بررسی سبکی از دیوان وی بیان گردد.

۱-۱. پیشینه تحقیق

دیوان مرثی میرزا عبدالرسول بارها چاپ شده و در نهایت با نسخه مقابل نسخ متعدد توسط محققان ارجمند علی صدرایی خویی و علی افراسیابی نهاوندی تصحیح و چاپ گردیده است، اما در باب دیوان قصاید و غزلیات و شرح حال وی، پژوهش جامع و مفصلی صورت نگرفته است.

۲-۱. اهمیت و ضرورت تحقیق

برای شناخت یک ملت، شناخته گذشته‌ها و آشنایی با نام مردان و زنانی که در مسیر ترقی و یا احیاناً در تنزل آن سهمی داشته‌اند و یادگاری از خود برجای گذاشته‌اند بسیار حائز اهمیت است و در این میان، امر تصحیح و زدودن غبار اعصار از چهره نسخ خطی و پیراسته کردن یک اثر آشکار کردن ارزش جامعه و بالندگی علمی یک ملت است. شکوفایی یک متن کهن و آگاهی از زیبایی‌های که یک فرهنگ، زبان و حوادث را با خود به همراه دارد، ضمن دل‌بستگی به گذشته، اشتیاق خاطر همه پژوهشگران را به سمت‌وسوی این گنجینه‌های پرتالو سوق می‌دهد تا با ژرفا بخشیدن به پژوهش‌های ادبی، تاریخی و علمی اثر و ناظم آن به شناخت و درک بهتر از روزگار آنان بینجامد. لذا نگارنده با تکیه بر این مهم در این نوشتار به بحث و بررسی درباره یکی از تواناترین شاعران عالم دوره دنبلی که مقارن با سلطنت فتحعلی‌شاه و محمدشاه قاجار می‌باشد، پرداخته است.

۲. بحث

۱-۲. شرح احوال فنای خویی

میرزا عبدالرسول حسینی بن میرزا حسن بن عبدالرسول زنوزی الاصل، خویی المسکن از سخنوران سده سیزدهم هجری قمری است. در تمام منابع (دیوان‌بیگی، ۱۳۶۴، ج ۲: ۱۳۸۶؛

تربیت، ۱۳۷۳: ۳۰۲؛ مدرس، ۱۳۶۹، ج ۲: ۱۳۳؛ آقاسی، ۱۳۵۰: ۵۴۴؛ رامیان، تمدن و تکش، ۱۳۴۴: ۱۹۹؛ ریاحی، ۱۳۷۳: ۲۵۶) با اندک تفاوتی بدین صورت نوشته شده است. «میرزا عبدالرسول مقدمات علوم را در خوی نزد پدرش و برادر بزرگترش میرزا مهدی فرا گرفت» (صدرایی خوبی، ۱۳۸۵: ۳) «او سرگذشت سال‌های جوانی و تحصیل و سفرهای خود را در کتاب *ام‌الکتاب فی ابطال الفنون و الاضراب به عربی* نوشته است» (ریاحی، ۱۳۷۳: ۲۵۶). در ترجمه *ذخایر الاسفار* چنین ذکر شده است: «در خوی اولاً به علوم رسمیه و مقدمات مشغول شدم سپس به عراق عجم مسافرت کرده، شش سال در اصفهان اقامت کرده و در آن مدت از علم و حکمت و ریاضی و حساب نزد جماعتی از فضلا تحصیل کردم، منهم العلم الكامل المیرزا باقر المشهور به نواب و منهم الحکیم استاد الكل ملا علی النوری المازندرانی بعد به خوی مراجعت کردم و بعد از چند سال اقامت در وطن به مشهد حسین علیه‌السلام مسافرت نمودم و چهار سال در آن مکان شریف اقامت کرده، فقه و اصول و حدیث را در خدمت فاضل مدقق و عالم محقق آقا سید مهدی رشید المجتهدین و افضل علماءالدین آقا سید علی الطباطبایی تحصیل کردم» (صدرایی خوبی، ۱۳۸۹: ۱۴۴). «فنا می‌نویسد: بعد از تحصیل در کربلا به عزم مجاورت به نجف اشرف مشرف شده و بعد از آن با بازگشت مجدد به کربلا دو ماه در خدمت شیخ احمد بحرینی کسب فیض نموده و به امر استادش شیخ احمد از اقامت در آنجا منصرف شده و برای تبلیغ و اشاعه فرهنگ دینی به خوی بازگشته و مشغول تألیف می‌گردد. فنا در ضمن غزلیات و قصاید با سرودن اشعار خوی‌شناسی با ماده تاریخ‌هایی که درباره‌ی اتمام بناهایی همراه است به ذکر ۱۲۳۸ق (تاریخ مسجد نمازی) ۱۲۴۶ق (مدرسه حاجی شفیع خوبی) و... پرداخته است و حضور خود را در این سال‌ها در وطن خود تثبیت کرده است. در تاریخ خوی از تاریخ ۱۲۵۴ق مبنی بر سفر شاعر به استانبول به همراه حسین خان نظام‌الدوله مقدم آجودان‌باشی به قصد زیارت کعبه سخن به میان آمده است» (ریاحی، ۱۳۷۳: ۲۵۷). «ولی عدم توفیق زیارت در

موسوم حج سبب می‌شود راهی مصر شود. در این مدت تا امکان حج سال بعد کتاب‌های ابن عربی را در الازهر تدریس می‌نماید» (صدرایی خویی، ۱۳۸۵: ۴). «وی سال بعد به مکه رفت و از آنجا به کربلا و نجف بازگشت و در آنجا ساکن شد و نوشتن کتاب‌های خود پرداخت» (نصیری، ۱۳۸۲: ۴۰۶). مؤلفان کتاب *بزرگان و سخن‌سرایان آذربایجان غربی* از یک جلد دیوان خطی عبدالرسول فنا استنباط کرده‌اند که «فنا پدر میرزا حسن زنوزی خویی متخلص به فانی است» (رامیان، تمدن و تکش، ۱۳۴۴: ۱۹۹). «شاید سرچشمه این اشتباه از مؤلف *ریحانة الادب* باشد که در تألیف خود فنا را پدر فانی معرفی کرده است» (مدرس تبریزی، ۱۳۶۹، ج ۳: ۲۸۸). شایان ذکر آنکه فانی پدر فناست و البته پدر فانی هم نامش عبدالرسول بوده است. در منابع پژوهشی، تاریخ وفات فنا را ۱۲۶۳ق در سنی نزدیک به هفتادسالگی (ریاحی، ۱۳۷۳: ۲۵۷)، ۱۲۶۹ق (صدرایی خویی، ۱۳۸۵: ۴) و ۱۲۶۲ق (آقاسی، ۱۳۵۰: ۵۴۵) ذکر کرده‌اند. جای تأمل است که میرزا مهدی زنوزی خویی برادر بزرگ‌تر میرزا عبدالرسول در ۱۲۰۲ق به دنیا آمده است و به‌طور طبیعی اگر دو یا چهار سال از فنا بزرگ‌تر باشد، در تعلیم عبدالرسول ایفای نقش کرده و به تصریح ریاحی، فنا در سنی نزدیک هفتادسالگی چشم از جهان فرو بسته است. بنابراین سال فوت وی ۱۲۷۲ یا ۱۲۷۴ق خواهد بود که به نظر نگارنده، ۱۲۷۴ق قریب‌به‌یقین است.

۲-۲. پدر شاعر

«میرزا محمد حسن زنوزی خویی، عالم و ادیب و متکلم متخلص به فانی از سادات زنوز است. وی در سال ۱۱۷۲ق در خوی زاده شده است و زیر نظر پدر خود - عبدالرسول - و استادان مسلم تبریز - ملا محمد شفیع دهخوارقانی و عبدالنبی طسوجی تبریزی - در علوم مختلف مهارت یافته، در سن بیست‌وسه‌سالگی در عتبات از محضر علمای بزرگ وحید بهبهانی و سیدعلی طباطبایی معروف به صاحب ریاض و میرزا مهدی شهرستانی، اجازه نقل حدیث یافته است. *بحرالعلوم و ریاض‌الجنه و دیوان اشعار فارسی* از مهم‌ترین آثار اوست. وی به سال

۱۲۲۵ق در خوی به رحمت الهی واصل شده است» (حسن‌زاده، ۱۳۹۰: مقدمه).

۳-۲. آثار شاعر

فنا دارای تألیفات زیادی است. ریاحی به دوازده کتاب در یادداشت‌های بازماندگان‌ش «شرح اصول کافی، کنز التقویم، منازل القمر، رساله در رد شیخ صدرالدین قونوی، شرح برائت الجامعة لزیارت الجامعه، سفینه نوحیه و سطور لوحیه، اسماء نورانیه و اسرار صمدانیه، غنای اکبر و کبریت احمر، فحوم فتحیه و اعداد فیثاغورثیه، مسک الازفر والعنبر الانصر، لطائف شمسیه و معارف کشفیه، اسرار فرقانیه و آثار روحانیه» (ریاحی ۱۳۷۳: ۲۵۸) اشاره کرده است.

همچنین علی صدراپی خویی به دیگر آثار وی از جمله شرح قوانین الاصول، اصل الاصول در اصول دین، ام الكتاب فی ابطال الفنون و الاضراب و هزار بند هم توجه دارد (صدراپی خویی، ۱۳۷۳: ۵). از فنا دو دیوان شعر به فارسی بر جای مانده است:

- دیوان مرثیاتی که نسخ خطی فراوان دارد و بارها چاپ شده و آخرین چاپ آن مربوط به آقای علی صدراپی خویی و علی افراسیابی نهاوندی است.

- دیوان غزلیات و قصاید که تاکنون تصحیح و چاپ نشده و حال این تصحیح از دو نسخه فراهم شده است.

۴-۲. معرفی نسخه‌ها

تنها نسخه باقی مانده کامل از دیوان غزلیات و قصاید فنای خویی مربوط به کتابخانه مجلس است که به تصریح ریاحی، در اختیار جعفر سلطان‌القرایی بوده است و به کتابخانه مجلس انتقال یافته است. این اثر به شماره ۹۰۸۲ در فهرست نسخ مجلس ثبت شده است. کاتب این نسخه «خضرلوی اقدم» و تاریخ کتابت نسخه سال ۳۲/۱۰/۲۴ در قریه علی‌شیخ، از توابع خوی است. ابعاد نسخه خطی در قطع وزیری به اندازه ۱۹×۱۱/۵ سانتی‌متر است. رنگ کاغذ نباتی مایل به سوخته و عناوین اشعار با قلم سرخ و خط نسخه در نستعلیق و

شکسته کتابت شده است. اما نسخه دوم به قطع وزیری در اندازه ۱۹/۵×۱۵/۵ در سال ۱۳۲۹ کتابت شده که در حقیقت بخشی از دیوان فنای خوبی در متن نسخه فانی خوبی است و توسط میرزا جعفرخان راشدی (۱۲۷۲-۱۳۲۹ش) بازنویسی شده است.

۲-۵. سبک شعر فنای خوبی

«در عصر دنبلی‌ها و اوایل قاجاریه که سال‌های طلایی علم و ادب و معرفت در خوی بود و خان‌های دنبلی از ادب و شعر و معارف حمایت می‌کردند، اجتماع شاعران و دانشمندان یک محیط فرهنگی پدید آورد و هسته اصلی دستگاه عباس میرزا را تشکیل دادند» (ریاحی، ۱۳۷۳: ۲۱۶). در نتیجه، نام‌آوری و بالندگی شعرا به تدوین دواوین عرفانی، حماسی، اجتماعی، تعلیمی ختم گردید و گاه به شیوه شعرای دوره بازگشت و تقلید غزلیات و قصاید سعدی منتهی شد. با این حال آشنایی شعرای تراز اول خوی با مکتب اصفهان و مرآده در عتبات و همچنین مراکز علمی دیگر از جمله استانبول و شامات، سبب تحول در مفاهیم و زبان و توجه به ساده‌گرایی گردید. فنای خوبی به دلیل آشنایی به زبان‌های فارسی، ترکی استانبولی، عربی و زبان ترکی آذری، یکی از تواناترین عرصه سخنوری این دوره است. آشنایی او به حکمت و عرفان محسوس‌ترین ویژگی زبان فنا را پدیدار ساخته است و معانی بلند عرفانی را با پایبندی به شریعت اسلامی برای سالکان حقیقی تفسیر کرده است. بیان استوار و فخیم و محتوای عمیق اشعار فنا با ذوق لطیف، دلنشین‌ترین قصاید و غزلیات و ترجیعات را به وجود آورده است. فنا در قصاید و غزلیات خود فارغ از تقلید در شیوه سخنوری سعدی و حافظ نیست؛ با وجود این، استقامت در مشرب فکری، اعتقادات و باورداشت‌های دینی و ظرایف اجتماعی و به‌کارگیری طنز و نقد افکار صاحب کرسی‌های منابر و مساجد در خوی به سبک شخصی خود دست یافته است.

آنچه در دیوان فنای خوبی بارز و مشهور است، از لحاظ تأثیر و لطافت بیان و صراحت کلام است که با توسل به تصویرسازی‌های بدیع و مضمون‌آفرینی‌های بکر و گاه تعبیرهای

عرفانی برجستگی سبکی خود را نشان می‌دهد. در کل، اشعار او روان، ساده و عاری از مصنوع است و دامنه وسیع احاطه شاعر به آیات قرآنی در اشعارش آشکار است.

الف. ویژگی‌های زبانی

– تأثیر زبان عربی؛ تسلط فنا به زبان عربی و تحصیل سالیان متمادی در حوزه‌های دینی، بازتاب گسترده‌ای از نظر به‌کارگیری لغات، کنایات و اصطلاحات عربی در اشعار وی را نشان می‌دهد. اوج هنرنمایی در بهره‌گیری از زبان عربی در ویژگی‌ها و خصوصیات علی^(ع) خلاصه می‌شود و فنا برای هر خصوصیت آن امام همام، یک بند شعر می‌سراید و جلوه‌های هنری زبانی خود در پیرامون آن صفت امام^(ع) بیان می‌کند: مظهر العجایب (ن/۱۵۸)، مفخر العباد (ن/۱۵۸)، مصدر القرآن (ن/۱۵۹)، خالق الانام (ن/۱۵۹)، طیب المقال (ن/۱۶۰)، روضة النعیم (ن/۱۶۲)، قمر منیر (ن/۱۶۴)، ملک ذوالتاج (ن/۱۶۴)، محی الارض (ن/۱۶۷) و ساقی الکوثر (ن/۱۶۸) قطره‌ای از قاموس زبانی شاعر است. وسعت دید و طویل الید بودن شاعر در به‌کارگیری این کلمات در قافیه و تغییر حروف روی و گاه جهش به‌سوی چهارپاره‌های مشخص در متن ترجیع‌بند، احاطه فنا را بر زبان عربی روشن می‌کند.

– زبان ترکی استانبولی؛ بهره‌گیری از کلمات زبان ترکی استانبولی در شعر فارسی که یک هنرمندی جدید در آن دوره محسوب می‌شود، شایان توجه است. از این حیث می‌توان گفت که متقدم‌ترین کاربرد این زبان در اشعار شعرای خوی اختصاص به فنای خوبی دارد. «گوگلم = قلبم» (ن/۱۳۶)، «ایچره = داخل» (ن/۱۳۷)، «ایتمدوم = نکردم» (ن/۱۳۷)، «سویله = بگو» (ن/۱۳۷)، «شمدی – الان» (ن/۱۴۶) ... از ورود و کاربرد واژه‌های ترکی استانبولی در کلام شاعر است.

– ابیات ملمع: پاره‌ای از ابیات و گاهی غزلیات دیوان ملمع‌اند و این نیز یکی از جلوه‌گاه‌های فضل و مفاخره فنا به حساب می‌آید، در بیشتر شواهد، بیان اوصاف و

محامد ممدوح و معشوق است:

به هر طرف که نظر می‌کنم تو در نظر آیی بدا جمالک فی کل وجهه و جهاتی
(ن/۱۲۱)

ز شور عشق تو مجنون صفت ز جمله رمیدم لقد فررت من الخلق عشت فی الفلواتی
(ن/۱۲۱)

فنا در لابه‌لای ابیات ملمع، گاه از کلمات و اصطلاحات فارسی و ترکی نیز استفاده می‌کند که از شور و عشق و تحیر در جلوه‌های جمالی معشوق سرچشمه می‌گیرد.

«بقول بعضی» انه جاهل ما ضل عن صاحبنا ما قوی
(ن/۱۶۶)

طوطی طبع جای قند نبات کرده عادت به اکل کشک و «قوروت»
(ن/۲۲۰)

- کاربرد واژه‌های خاص و برخلاف قواعد دستوری: کلمات لیلاج (ن/۲۲۳)، ایلاج (ن/۲۲۳)، قیجاج (ن/۲۲۳)، راج (ن/۲۲۳) بازیدم، حجازیدم، نمازیدم و... نیز در شمار ویژگی‌های زبانی فناست.

به خیال بتی نمازیدم چه رکوع و سجود بازیدم
مرحبا عشق کو مرا هر قدر سر نگویند، سر فرازیدم
(ن/۳۰۹)

ب. ویژگی‌های معنایی

- مدح انبیا؛ فنا آغاز دیوان خود را در توحید حق قرار داده است.

ستایش خداوند ایجاد را که الفت به هم داده اضداد را
(ن/۱)

از این رو مدح انبیا را در شمار پربسامدترین معانی در فضیلت بلا که لازمه انبیاست، به کار

برده است.

از آن قسمت انبیا شد بلا که بخشد به آینه دل جلا
بلا رهنمای ره مقصد است بلا علت بعثت احمد است
(ن/۱۳)

بر پایه این اندیشه که افق نگاه عرفانی و نماد اندیشه‌های دینی در این کلمه (بلا) شکل می‌گیرد، فنا راز پیامبری و رسالت انبیا را از آدم^(ع) آغاز می‌کند تا مسیر حرکت الهی انبیا را تک‌به‌تک در پویش این واژه تفسیر کند.

بلا چیست مفتاح ابواب غیب بلا چیست معراج ارباب غیب
بلا خاک افسرده را زر کند بلا افسر قرب بر سر کند
همه انبیا یک به یک از بلا رسیدند بر بزم قرب خدا
(ن/۱۶-۱۷)

- مدح علی^(ع)؛ در زمره اندیشه‌های شیعی فنا یکی از باشکوه‌ترین و برجسته‌ترین بخش‌های نمودیافته در سخن شاعر، مدح علی^(ع) است. در جای جای این دیوان، مدح علی^(ع) به اشعار رنگ جاودانگی بخشیده است. علاوه بر قصاید و غزلیات مختص به مدح مولا دو ترجیع‌بند به زبان فارسی با بندگردان:

ناد علیاً مظهر العطايا تجده عوناً لک فی البلیا
(ن/۳۴۷)

و

لمعات وجهک اشرفت فبذا جمالك یا علی
(ن/۳۵۲)

سروده شده است که با شور و شغف دلاویز، معانی را در قالب الفاظ زیبا جای داده است. با این همه شاید بتوان شاهکار دیوان فنا را در مدح علی^(ع) به ترجیع‌بند عربی وی مختص کرد.

فنا این ترجیع‌بند را در مدح آن خسرو عرب و عجم در بیست‌ونه بند با مطلع:

ناد علیاً مظهر العجایب تجده عونالک فی النوائب
(ن/۱۵۸)

با عشق تمام‌عیار سروده است که بند گردان آن هم بیت زیر است:

قال ألہنا السميع العليم ان لددیناً لعلی حکیم
(ن/۱۵۸)

در هر بند، یکی از خصوصیات آن امام همام به صورت بدیع و با سوز عشق و ارادت خالص شرح داده می‌شود و با احساس سیادت اوج گرفته، بیان می‌شود.

– شکایت؛ از مضامین پرکاربرد در دیوان فناست که به مناسب حال و مقام شعر خود و دلزدگی‌های که از محیط زندگی خود داشته، به مناسبت‌هایی بر زبان جاری ساخته است. نکته مهم در این مقوله آن است که شکایت شاعر به دور از شیوه و سبک شعری اوست و از مزاج طبع او سرچشمه نمی‌گیرد بلکه تا زمانی که از یک حادثه، رفتار و اخلاق ناهمگون، تحت تأثیر واقع نشود، لب به شکایت نمی‌گشاید. در واقع «اگر طبع شاعر تند و سرکش باشد، سبک بیانش غالباً سریع و کوتاه می‌شود و اگر طبعی داشته باشد خیال‌پرور و رویایی سبک او ذراکنده می‌شود از استعارات و مجازات دور و دراز» (زرین‌کوب، ۱۳۶۳: ۱۶۲). درحالی‌که فنا شاعری حکیم و اهل فقه و اصول است و معیار سخنش بر پایه منطق شکل گرفته است.

اهل دنیا همه در قید هوس پابندند ای خوش آن کس که ازین مرحله فارغ‌بال است
تو به اصناف نظر کن که چه بی‌انصاف است که به اوصاف بد خویش همه خوشحال است
سنگ او قلب بود چون که بود قلبش سنگ هر که در شیوه داد و ستد بقال است
(ن/۸۲)

تا چند ز دست دوستان نالم وقت است که داد خویشتن بستانم
از درد دل خود اندکی گفتم گر درد و غم است بس فراوانم

(ن/۸۵)

فنا در حریم شکوه و شکایت و نکوهش، فقط به مردم عادی و حرف و مشاغل بسنده نمی‌کند بلکه در نکوهش بزرگان و هم‌کسوتان، علمای معروف خوی را نیز در عرصهٔ تاخت قرار می‌دهد.

کجا رفت واعظ چه شد منبرش چه شد آن مریدان به گرد سرش
کجا ماند دستار تحت الحنک که می‌بود در فرق آن بی‌نمک...

(ن/۱۰۷)

– مفاخره، که بیان فضل، کمال و بزرگ‌منشی خویش است از مفاهیم شعری فنای خویی است. حس برتری‌جویی شاعر در اثبات همسانی در مناظره، نظیره‌گویی و گاه انتظارات برآورده‌نشدهٔ وی که شرایط موافق میل و آرزوی او نیست، توان علمی و قلمی‌اش را به رخ کشیده است.

بر جنگ فنا آید اگر مرد سخنگوی زاغی است که با بلبل شیراز ستیزد

(ن/۱۳۰)

اوردا اولدوم بیر ایشکیله همدم عیسی عصر دوچار اولدی خره

(ن/۱۴۱)

(در آنجا – جنگ ایران و روس – با یک الاغ همدم شدم که در واقع عیسای عصر دچار الاغ شده است.)

باز چون عقد گهر منظومهٔ انشا کنم لؤلؤی لالای لا بر رشتهٔ آلا کنم

(ن/۳۷)

– ممدوحان، فنای خویی در لفافهٔ سخن ارزشی که به دور از دنیای صله و انتظارات مادی هستند قرار دارند. شکوه معنوی و حماسی و جایگاه آسمانی امام علی^(ع) در اشعار فنا اثبات این حقیقت است که فنا اغنای هستی خود را در رگ‌رگ مدح امام می‌یابد و

سخن خود را با ویژگی‌های او زینت می‌دهد. در عرض این مطلب همین تعالیم دینی و آموزه‌های عرفانی و روشن‌دلی به دنیا و آخرت سبب شده است، ممدوحان خود را چه در قالب افراد و یا شعر و اشیا که شخصیت مشابه انسانی دارند، به دور از انتظارات مادی به عفاف سخن بیارایند. بدین سبب جای گرفتن درالصفاء (ن/۸۳)، باغ دلگشا (ن/۲۰۱)، شیون کندی، مارکان، بدلان (ن/۲۲۵)، مساجد: حاجی مطلب خان، شفیعیه، نمازی (ن/۲۲۹-۲۳۳)، خوی (ن/۴۸)، دارالفرح استانبول (ن/۴۵)، حسینقلی خان (ن/۴۸)، نجفقلی خان (ن/۴۷)، حسین‌خان آجودان‌باشی (ن/۵۰)، دنبلی‌ها (ن/۲۰۱)، سردار امیرخان (ن/۲۲۹) و جهانگیر میرزا (ن/۸۲) در خط فکری فنا تفسیر می‌شوند.

چون مرغ چمن گهی سخن سنجم	در محفل جان گهی ثناخوانم
چون مادح شحنة النجف هستم	زان مداح نجفقلی خانم
سرسلسله چون به دنبلی آمد	دنباله کار خویش بود دانم
در دار صفا چو شد طرفافزا	شد عقده مشکلات آسانم
بنهاد به باغ دلگشا چون پا	مجموع آمد دل پریشانم...
	(ن/۸۵)

– ساقی‌نامه‌های فنا که در حقیقت مکتب تازه‌ای در تلطیف شعر فارسی به حساب می‌آید، با لحاظ معانی مجازی در زیباترین کلمات و اشارات و تشبیهات جان گرفته‌اند و با حال‌وهوای عرفانی و سخنان حکیمانه، گاهی با گلایه و گاهی با نگاهی به بی‌وفایی و ناپایداری جهان، به قدح و مدح پرداخته شده‌اند. «مضمون ساقی‌نامه‌ها ظاهراً برگرفته از اشعاری است که در ادبیات عرب معروف به خمریات است و در شعر فارسی نیز نوع آن سابقه دارد (صفا، ۱۳۶۶، ج ۳: ۳۳۴).

بیا ساقی ای دین و ایمان من	قدای تو هم این و هم آن من
میم ده که تا جان نو بخشدم	برد کفر و ایمان نو بخشدم
دلیم سوخت یک قطره آبم بده	به عشق علی بو ترا بم بده...

(ن/۹۸)

ج. ویژگی‌های ادبی

– شعر دوره قاجار از لحاظ ابتکار و نوآوری، به‌طور عام چندان برجستگی ندارد و بیشتر تحت تأثیر ادبیات دوره عراقی است؛ با این حال دواوینی از شعرای آن دوره به جای مانده است که از نظر ارزش ادبی در زمره بهترین اشعار فارسی به حساب می‌آید که بدون تردید دیوان فنا نیز یکی از آن دیوان‌ها به‌صورت هدفدار و منسجم است. می‌توان گفت شعر فنا از لحاظ ادبی تابع گروه موسیقایی مختص به خود است. شفیع کدکنی معتقد است: «مجموعه عواملی که زبان را از زبان روزمره، به اعتبار بخشیدن آهنگ و توازن امتیاز می‌بخشند و در حقیقت از رهگذر نظام موسیقایی سبب رستاخیز کلمه‌ها و تشخیص واژه‌ها در زبان می‌شوند، می‌توان موسیقایی نامید و این گروه موسیقایی عوامل شناخته‌شده از قبیل وزن، قافیه، ردیف، جناس و... دارد» (شفیع کدکنی، ۱۳۸۹: ۸۰).

– **اوزان و بحور عروضی** به‌کاررفته در دیوان فنا چندان گسترده نیست. در این دیوان، ۱۰ وزن به کار رفته است که بیشتر شامل بحرهای متقارب (۵ بار)، هزج (۴۷ بار)، رمل (۸۱ بار)، خفیف (۱۰ بار)، مجتث (۱۳ بار)، سریع (۲ بار)، و مضارع (۷ بار)، منسرح (۳ بار)، رجز (۶ بار)، کامل (۱ بار) و رباعی می‌باشد. این بحور به‌ندرت سالم و بیشتر مزاحف و صورت مسدس و مثنی در ۱۸۷ بحر آورده شده‌اند که در قالب‌های مثنوی، رباعی، قصاید فارسی و ترکی، قطعه، غزلیات فارسی، ترکی، عربی و ترجیع‌بند قرار دارند.

اشعار فنای خوبی خیزابی، رقاصان و باطراوت‌اند و با قوافی استوار که کمترین عیوب را نشان می‌دهند، با زبان نظام یافته موسیقی و جادوی الفاظ را تعریف کرده است. در حیطه بیانی نیز تشبیه و استعاره و اقسام گوناگون آن‌ها پرکاربردترین آرایه‌های بلاغی

است.

دور از گلزار جان در دام تن درمانده‌ایم	داغ دل چون لاله از آن مرغزار آورده‌ایم (۹۲/ن)
آن لاله عذار آمد از رخ چو بهار آمد	برخیز که یار آمد آن مهره ز ششدر گیر (۱۰۲/ن)
نسیم صبح جان‌پرور چو بوی طره دلبر	چمن چون چرخ پراختر سخن چون شمع بزم‌آرا (۱۵۱/ن)
جز تو ای مه که در آینه به خود می‌نگری	کس ندیدم که تو را دیده و حیران تو نیست (۲۷۵/ن)
عاشق سوخته این بخت ندارد سخن است	بر سر فاخته کی سرو روان می‌آید (۲۸۶/ن)

در اشعار فنا تموج آرایه‌های بدیعی آن چنان گیراست که شاعر به عمد برای هدف معنایی خود از آرایه‌های لفظی و معنوی برای استحکام بنای شعر استفاده می‌کند و آنقدر تواناست که در شکوه ظاهر لفظ، معنای شعری خود را گم نمی‌سازد.

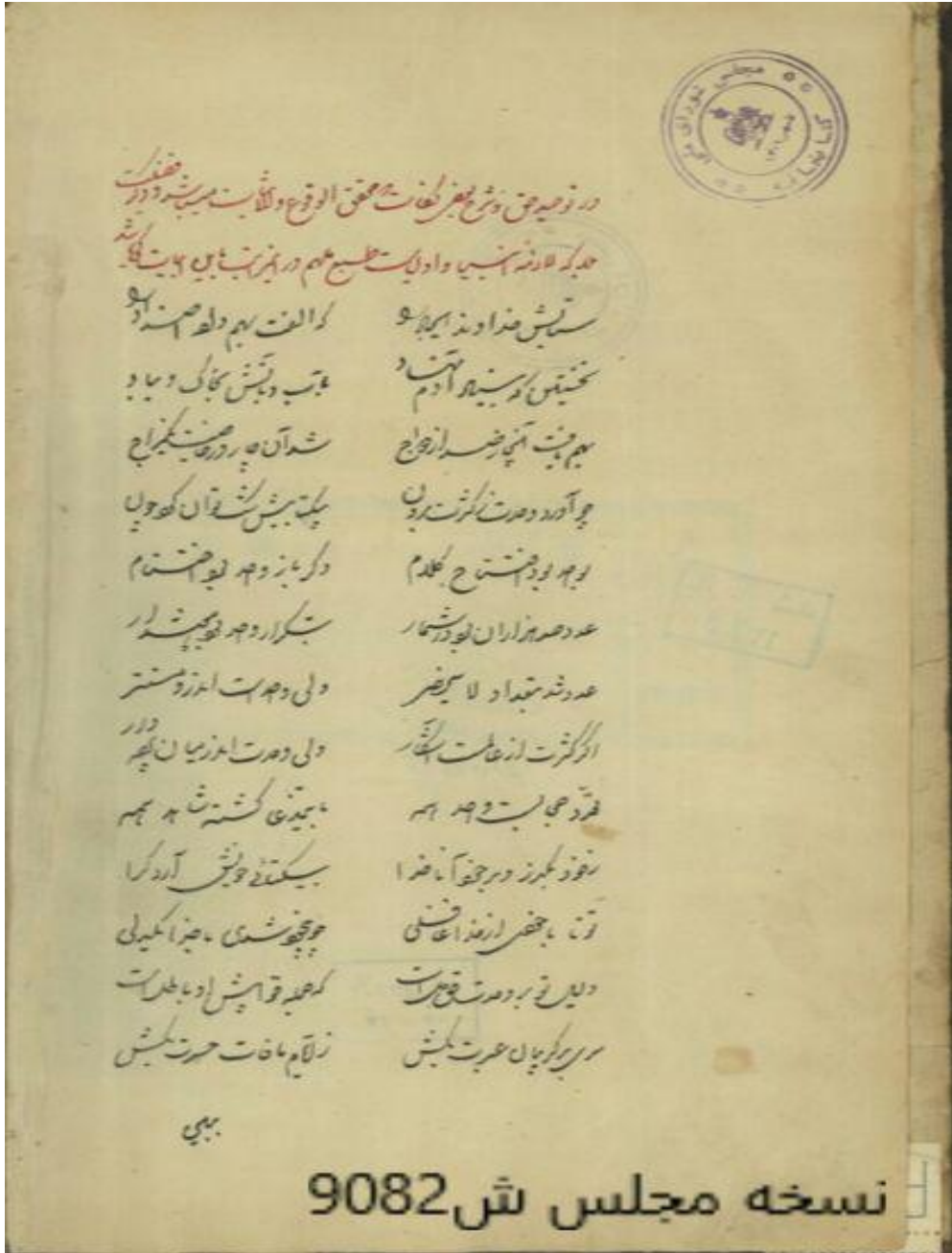
نقش بر آب بستی و شد نقش‌ها بر آب ای صورت‌آفرین به تو باد آفرین همه
(۷۷/ن)

۳. نتیجه‌گیری

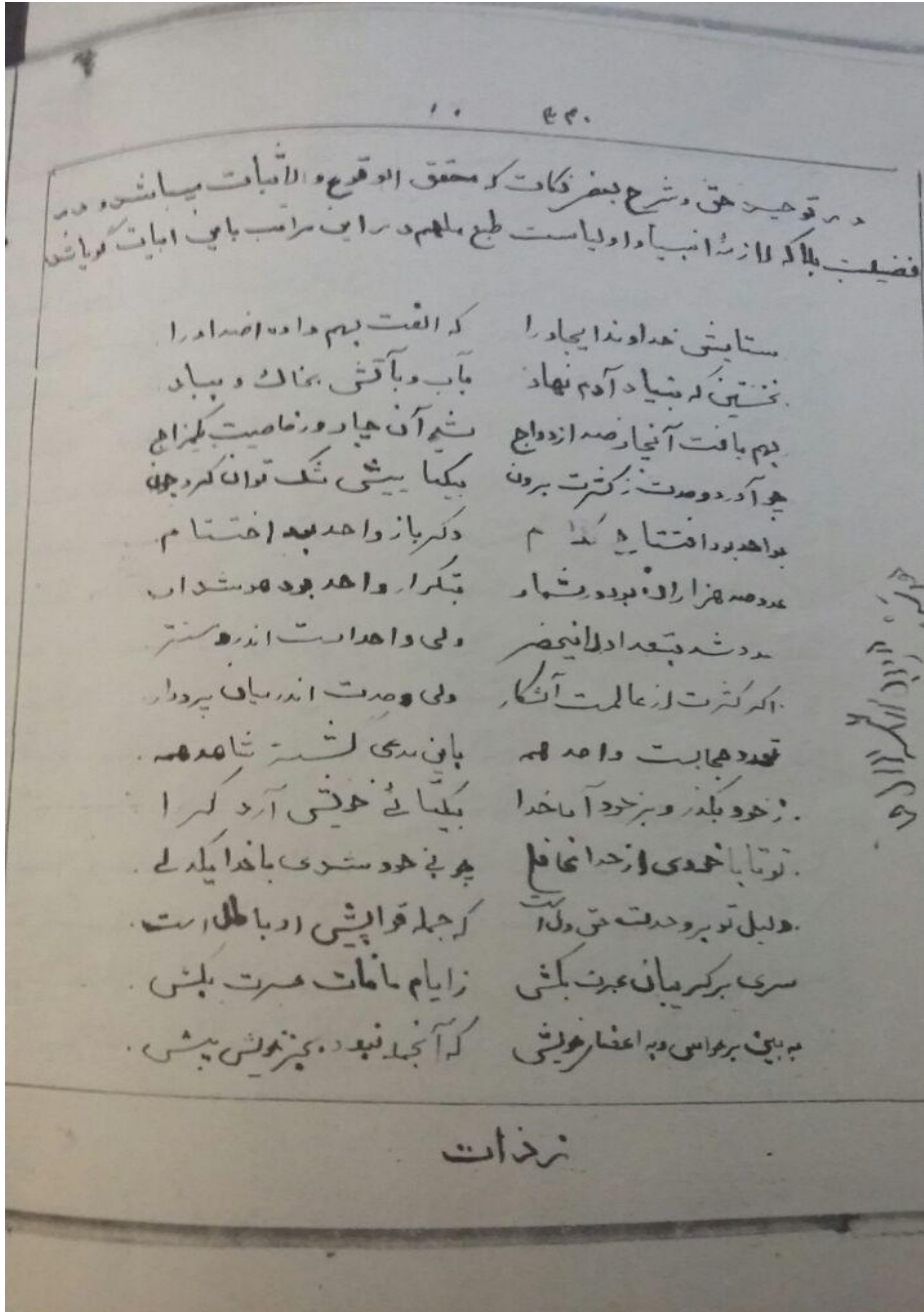
از ویژگی‌های عصر دنبلی‌ها به‌ویژه احمدخان و حسینقلی خان در محال خوی کثرت سرایندگان، علما و دانشمندان است که به دلیل شرایط مناسب اجتماعی و فرهنگی و رونق اقتصادی، مردان بزرگی در زمینه دانش و ادب از آن برخاستند. از خاندان‌های معروف این دوره که به علت داشتن وسعت دانش به میرزا شهرت یافته‌اند، خانواده میرزا محمدحسن زنوزی خویی است. میرزا عبدالرسول متخلص به فنا که پسر دوم میرزا حسن است و در

شاعری تواناتر از پدرش بوده، دانشمند کثیرالاحاطه خوبی است که با دیوان قصاید و غزلیات خود به سبک قدما با برجستگی‌های زبانی و معنایی که تا حال ناشناخته مانده، مورد پژوهش قرار گرفته است. از دیوان فنا دو نسخه خطی به جا مانده است که اولی در اختیار جعفر سلطان القرایی بوده و با نام مجلس شناخته می‌شود و در سال ۱۳۳۲ق توسط کاتبی به نام خضرلوی اقدم در قریه علی‌شیخ خوی کتابت شده است؛ نسخه دوم مربوط به کاتبی به نام راشدی است که در سال ۱۳۲۹ش در ضمن کتابت دیوان فانی بخشی از دیوان فنا را نیز کتابت کرده است.

با بررسی دیوان فنا درمی‌یابیم که زبان شعری او ساده، روان و تناسب قوی با معانی و مفاهیم دارد و با تسلط به وزن و قافیه متانت موسیقی کلام خود را حفظ کرده است. جای تردیدی وجود ندارد که شیرازه حاکم بر تاروپود اشعار فنا با عشق قرین است و با نام امام علی^(ع) به اوج رسیده است. سخن فنا به مرز اشعار متقدمان به خصوص به زبان شعر سعدی نزدیک می‌شود و گاه تحت‌تأثیر او قرار می‌گیرد. فنا از بررسی نکات ریز اجتماعی محیط زندگی و پیرامونی خود نیز غافل نیست و اشخاص و افراد نیز مورد تفاخر و یا نقد وی هستند. در محور ادبی نیز نسخه فنا با یک دوره فنون بدیعی و بیانی ملایم همراه است و با حالت طبیعی اشعار او را با شکوه و دلنشین کرده است.



نسخه مجلس به شماره ۹۰۸۲



منابع

۱. آقاسی، مهدی (۱۳۵۰)، *تاریخ خوی*، تیریز: مؤسسه تاریخ و فرهنگ ایران.
۲. تربیت، محمدعلی (۱۳۷۳)، *دانشمندان آذربایجان*، بی‌جا: انتشارات فخر آذر.
۳. حسن‌زاده، شهریار (۱۳۹۰)، *دیوان فانی خویی*، تهران، میراث مکتوب.
۴. دیوان بیگی، احمد (۱۳۶۴)، *حدیقه الشعرا*، تصحیح عبدالحسین نوایی، تهران: انتشارات زرین.
۵. رامیان، محمود، تمدن، محمد و تکش، علاءالدین (۱۳۴۴)، *بزرگان و سخن‌سرایان آذربایجان غربی*، بی‌جا: نشر مؤلفان.
۶. ریاحی، محمدامین (۱۳۷۳)، *تاریخ خوی*، تهران: انتشارات توس.
۷. زرین کوب، عبدالحسین (۱۳۶۳)، *شعر بی‌دروغ شعر بی‌نقاب*، تهران: انتشارات علمی.
۸. شفیعی کدکنی، محمدرضا (۱۳۸۹)، *موسیقی شعر*، تهران: انتشارات آگه.
۹. صدرایی خویی، علی (۱۳۷۳)، *سیمای خوی*، تهران: انتشارات تبلیغات اسلامی.
۱۰. ——— (۱۳۸۹)، *تذکرة الفضلا*، قم: انتشارات قسیم.
۱۱. ——— (۱۳۸۵)، *مراثی فنا*، قم: چاپ اعتماد.
۱۲. صفا، ذبیح‌اله (۱۳۶۶)، *تاریخ ادبیات در ایران*، تهران: انتشارات فردوسی.
۱۳. فنای خویی، میرزا عبدالرسول (بی‌تا)، *نسخه خطی*، مجلس، به شماره ۹۰۸۲، تاریخ کتابت ۱۳۳۲، تعداد صفحات ۱۹۱.
۱۴. ——— (بی‌تا)، *نسخه خطی*، مجلس به شماره ۹۱۴۶، تاریخ کتابت ۱۳۲۹ش، تعداد صفحات ۹۲.
۱۵. مدرس، محمدعلی (۱۳۶۹)، *ریحانة الادب*، تهران: چاپ خیام.
۱۶. نصیری، بهروز (۱۳۸۲)، *فرهنگ نام‌آوران خوی*، خوی: انتشارات قراقوش.